

مجلس سوم

و گزارش‌های پلیس مخفی از شایعات تهران^۱

(جمادی‌الثانی - رمضان ۱۳۳۳ / آوریل - ژوئیه ۱۹۱۵)

منصوره اتحادیه (نظام مافی)

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

چکیده

این مقاله بر اساس گزارش‌های پلیس مخفی تهران برای عبدالحسین میرزا فرمانفرما، وزیر داخله در کابینه عین‌الدوله در مجلس سوم، تهیه شده است. مجلس سوم در محرم ۱۳۳۳ ه.ق. چند ماه پس از آغاز جنگ جهانی اول افتتاح شد. این مجلس فقط ۱۱ ماه دوام یافت و در تمام این مدت تحت تأثیر مسائل ناشی از جنگ قرار داشت.

جنگ، میان سیاستمداران و وکلای مجلس تفرقه انداخت. عده‌ای هوادار روس و انگلیس و عده‌ای مانند دموکرات‌ها و مؤتلفین آن‌ها هوادار آلمان و عثمانی بودند. این نفاق عملاً کشور را تقسیم می‌کرد. مسئله امنیت در این ماجرا از اهمیت بسیاری برخوردار بود. پلیس مخفی همه‌گونه شایعات و اخبار پایتخت، به‌خصوص اخبار مربوط به امور دولتی و سیاسی را گزارش می‌داد. همچنین گزارش رفت و آمد رجال، موضع مطبوعات و تحرکات سفارتخانه‌ها را نیز ارجاع می‌نمود. نکته قابل توجه، فعالیت سفارت عثمانی است که از طریق مطبوعات، وزیر داخله را مورد انتقاد قرار می‌داد. فرمانفرما مورد انتقاد حزب دموکرات نیز قرار داشت که از هواداران دولت عثمانی در جنگ به شمار می‌رفت؛ وی سرانجام در مجلس استیضاح شد. در بحبوحه جنگ، رؤف‌بیک فرمانده ترک وارد قصرشیرین شد و در ۹ جمادی‌الأول تا سرپل ذهاب پیش آمد. وضع کرمانشاه سخت آشفته شد. قبل از هر اقدامی از جانب دولت عین‌الدوله که تازه بر سر کار آمده بود، حاکم کرمانشاه استعفا داد و اوضاع را وخیم‌تر کرد. در شعبان ۱۳۳۳ دموکرات‌ها فرمانفرما را استیضاح کردند و کابینه و عین‌الدوله نیز استعفا دادند.

از زمان مشروطه، دموکرات‌ها با فرمانفرما مخالفت داشتند. از طرفی فرمانفرما چندین بار در آذربایجان، کرمانشاه و کردستان حکومت کرده و با سیاست عثمانی و اهدافش نسبت به ایران آشنایی داشت و با آنان به مخالفت پرداخته بود. دموکرات‌ها در حمایت از عثمانی بدون اشاره به تحرکات ترک‌ها و به بهانه اینکه وزیر داخله مسامحه کرده، او را استیضاح کردند. پس از این عین‌الدوله نیز استعفا داد. پیشینه تقابلات فرمانفرما با دموکرات‌ها و دولت عثمانی به وقایع مذکور انجامید که از منظر گزارش‌های پلیس بسیار گویاست.

کلیدواژه‌ها: مجلس سوم، نظمیه، پلیس مخفی، فرمانفرما، عین‌الدوله، عثمانی و حزب دموکرات.

۱. این گزارش‌ها جزو مجموعه اسناد و مدارک عبدالحسین میرزا فرمانفرماست که در حال حاضر در مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

مجلس دوم با اولتیماتوم^۱ روس‌ها در ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۹ بسته شد و تقریباً سه سال تعطیل بود. در این مدت، روس‌ها و انگلیس‌ها، چه از منظر سیاسی و چه مالی، بیش از پیش بر اوضاع ایران تسلط یافتند و با باز شدن مجدد مجلس مخالفت کردند. اما به مرور فضا مساعدتر شد و جسته و گریخته، فعالیت‌هایی از جانب مطبوعات و عده‌ای از رجال برای بازگشایی مجلس انجام گرفت. یکی از عللی که گشایش مجلس را ضروری می‌کرد، اصل ۳۹ متمم قانون اساسی بود که بر اساس آن هیچ پادشاهی نمی‌توانست بر تخت سلطنت جلوس نماید، مگر آنکه قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی قسم یاد کند. تا احمدشاه به سن قانونی نرسیده بود، می‌توانستند افتتاح مجلس سوم را به تعویق اندازند ولی در این برهه که وی به سن قانونی می‌رسید، باز شدن مجلس الزامی بود.^۲

علاءالسلطنه در ۱۰ صفر ۱۳۳۱ آغاز انتخابات را اعلان کرد.^۳ یکی از شروط روس‌ها برای موافقت با انتخابات، این بود که کسی از حزب دموکرات انتخاب نشود. حضور روس‌ها در آذربایجان نیز مانع انجام انتخابات گردید. انتخابات تهران در شعبان ۱۳۳۱ شروع شد ولی جریان آن، طولانی و مشکل بود. انتخابات در ایالات تقریباً با دو ماه تأخیر و در جمادی‌الثانی ۱۳۳۲ انجام گرفت. بنابراین مجلس قبل از تکمیل انتخابات، با حضور ۶۸ نماینده در محرم ۱۳۳۳ توسط احمدشاه افتتاح شد. سایر وکلا تدریجاً به مجلس وارد شدند. عمر این مجلس کوتاه بود و در مجموع، ۷۹ جلسه داشت و سرانجام در ذی‌حجه ۱۳۳۳ هـ.ق. به علت پیشروی قوای روس، مهاجرت وکلا و مخالفین روس و انگلیس تعطیل شد.

در مجلس سوم، چهار گروه سیاسی ظاهر شدند؛^۴ دو حزب قدیمی دموکرات و اعتدالیون و یک گروه بی‌طرف و گروه جدیدی به نام هیئت علمیه. دموکرات‌ها در مجلس سوم از بعضی از مواضع تند خود عدول کردند؛ شاید به این سبب که در مجلس دوم تجربه کافی به دست آورده بودند که مخالفت با روس‌ها، به خصوص آن‌ها دامن می‌زند.

ولی علت اصلی این تندوری را باید بروز جنگ دانست زیرا دموکرات‌ها بیشترین فعالیت را برای کمک به آلمان‌ها انجام دادند و در مسائل داخلی تا جایی که به رابطه با آلمان‌ها و منافع آن‌ها مربوط نبود، چندان پافشاری نکردند و به همین دلیل توانستند با اعتدالیون ائتلاف کنند و اکثریت را در مجلس به دست آورند.

۱. علت اولتیماتوم روس‌ها این بود که مورگان شوستر آمریکایی، خزانه‌دار کل با تشویق دموکرات‌ها تقسیم ایران را به منطقه نفوذ روس و انگلیس نادیده گرفت و یک نفر انگلیسی را به نمایندگی خود به شمال اعزام کرد. روس‌ها سخت مخالفت کرده و دو بار اولتیماتوم دادند که شوستر باید عزل شود و بار دوم حتی تهران را تهدید کردند و غرامت خواستند. مجلس، حاضر به پذیرش نبود ولی عمر دوساله مجلس دوم پایان یافته بود؛ دولت از تشکیل جلسه مجدد مجلس شورای ملی جلوگیری کرد و مجلس در ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۹ بسته شد.

۲. هنگام تاجگذاری احمدشاه در ۲۸ شعبان ۱۳۳۲، معدودی از وکلا انتخاب شده بودند، بنابراین عده‌ای از وکلای سابق و ۳۰ نفر از همان وکلا، در مراسم حضور یافتند.

۳. اتحادیه، منصوره، *حزب سیاسی در مجلس سوم (۱۳۳۴-۱۳۳۳ هـ.ق.)*، (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۱)؛ صص ۶۹-۶۸.

۴. همان؛ اغلب صفحات.

بعد از اولتیماتوم، اعتدالیون به چند دسته تجزیه شده و بین آن‌ها تفرقه افتاد ولی عده‌ای توانستند با دموکرات‌ها ائتلاف کنند. احتمالاً وخامت اوضاع کشور به تشکیل این ائتلاف کمک می‌کرد. هیئت علمیه، گروه جدیدی بود که از عده‌ای از علما به رهبری سیدحسن مدرس تشکیل می‌شد و تاحدی از مصادیق انسجام علما در مبارزات سیاسی این دوره به شمار می‌رود. هیئت علمیه با دموکرات‌ها کشمکش داشت ولی چون در اقلیت بود، چندان توفیقی نیافت^۱ و بنا به قول بهار، این یک اقدام منحصر به فرد بود.

جنگ جهانی اول، قبل از افتتاح مجلس، در شوال ۱۳۳۲ در اروپا آغاز شد. دولت مستوفی و احمدشاه، بی‌طرفی ایران را اعلان کردند ولی چند ماه بعد، عثمانی در کنار آلمان و اتریش به جنگ، وارد و ایران نیز علی‌رغم اعلان بی‌طرفی درگیر شد. روس‌ها از دوران استبداد صغیر، قوای نظامی خود را وارد خاک ایران کرده بودند و چند ماه بعد ترک‌ها هم به طرفداری از آلمان و اتریش وارد جنگ شدند. در آغاز جنگ در اروپا، روس‌ها به تقاضای دولت ایران برای تخلیه کشور پاسخ منفی دادند، در نتیجه دولت عثمانی به ایران قشون کشی کرد و در آذربایجان با قوای روس به نبرد پرداخت. در اوایل ربیع‌الأول، عثمانی در جنوب به خوزستان حمله کرد و انگلیسی‌ها نیز برای دفاع از تأسیسات نفتی، قوای خود را به ایران فرستادند. آلمان نیز به شوراندن عشایر جنوب و غرب کشور علیه انگلیسی‌ها و روس‌ها مبادرت می‌نمود. این وقایع، باعث تشنج و تشتت بین سیاستمداران، وکلای مجلس، احزاب سیاسی و روزنامه‌نگاران شد. عده‌ای هوادار انگلیس و روس^۲ و عده‌ای نیز هوادار آلمان و عثمانی بودند و هیچ‌یک از متخاصمین و سیاستمداران و روزنامه‌نگاران، سیاست بی‌طرفی دولت ایران را رعایت نکردند.

علاءالسلطنه قبل از پایان انتخابات، استعفا داد و مستوفی‌الممالک در ۲۵ رمضان به ریاست وزراء منصوب شد و همین دولت بود که در آغاز جنگ، اعلان بی‌طرفی کرد. مستوفی با مشکل بی‌پولی، نقض بی‌طرفی کشور از سوی دولت متخاصم و مخالفت‌های وکلای مجلس روبه‌رو بود و سرانجام پس از حدود ۸ ماه، در ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ استعفا داد.^۳ رئیس‌الوزرای بعدی، مشیرالدوله بود و با اینکه از مجلس رأی اعتماد گرفت ولی دوام چندانی نیاورد. یکی از علل استعفای زودهنگام وی پس از دو ماه، حمله رئوفبیک، فرمانده قوای عثمانی به ایران بود. ورود عثمانی به جنگ، اوضاع غرب ایران را آشفته کرد و موجب تشتت میان عشایر شد. بعضی از آن عشایر از ترک‌ها حمایت می‌کردند. این مسئله به رئوفبیک فرمانده ترک فرصت داد تا در اواخر ربیع‌الثانی به قصرشیرین و پل ذهاب وارد گردد و البته خطر پیشروی به سوی

۱. بهار، محمدتقی (ملک‌الشعراء)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران (انقراض قاجاریه) (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳)؛ ص ۱۳۲.

۲. موضع فرمانفرما جالب توجه است. در آغاز جنگ، شایع بود که فرمانفرما از روس‌ها هواداری می‌کند. طبق منابع انگلیسی، هم او و هم وثوق‌الدوله از طرفداران روس‌ها به شمار می‌آمدند ولی بعداً هر دو جزو سیاستمداران انگلوفیل شناخته شدند. فرمانفرما در این باره به پسرش نصرت‌الدوله چنین می‌نویسد: «اعتقاد شخصی من این بود که اگر ترک‌ها یا آلمان‌ها موفقیت پیدا می‌نمودند، هزار درجه برای ایرانی‌ها بدتر از انگلیس می‌شد؛ ترک‌ها به ناموس و زن‌هایمان و دینمان هم دخالت علنی می‌کردند». نکته‌ای که وزیرمختار انگلیس نوشته است شاید بیشتر با حقیقت مربوط باشد: «شگفت این است که این دو نفر (فرمانفرما و وثوق‌الدوله) طرفدار انگلیس می‌باشند ولی بیشتر احتمال دارد که وفاداری آن‌ها به یکی از این دو قدرت (روس/ انگلیس) مبتنی بر ضرورت زمان بوده است.» (اتحادیه، زمانه و کارنامه سیاسی و اجتماعی عبدالحسین میرزا فرمانفرما، ج ۳ (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۳)؛ صص ۲۲۴ و ۲۴۴).

۳. اتحادیه، احزاب سیاسی در مجلس سوم، همان؛ صص ۱۲۵-۱۲۴.

کرمانشاه نیز می‌رفت.

پس از استعفای مشیرالدوله، روس و انگلیس سعدالدوله را کانديد رياست‌الوزرائی کردند ولی به علت نزدیکی وی با روس‌ها، نه شاه و نه مجلس، حاضر به پذیرفتن او نبودند و بالأخره عین‌الدوله با رضایت دولت روس و حمایت انگلیس توسط احمدشاه تأیید شد. این کابینه، دو ماه و یک هفته از ۱۶ جمادی‌الثانی الی ۲۲ شعبان ۱۳۳۳ بر سرکار بود.

عین‌الدوله وزرای خود را در ۱۶ جمادی‌الثانی به مجلس معرفی کرد.^۱ در طول جنگ هریک از وزرا برای راضی کردن یکی از طرفین متخاصم انتخاب می‌شدند. در این برهه نیز حکیم‌الملک برای رضایت آلمان‌ها وزیر معارف شد و برای رضایت روس و انگلیس وثوق‌الدوله به وزارت عدلیه و فرمانفرما به وزارت داخله نائل آمدند. این مسئله، باعث انتقادات شدیدی از سوی وکلا گردید؛ به‌خصوص وکلای دموکرات مجلس و بعضی از روزنامه‌ها انتقادات شدیدی به فرمانفرما داشتند. امنیت شهر از وظایف وزیر داخله و تحت نظر اداره نظمیه بود^۲ و هرروز گزارش‌هایی را برای وزیر تهیه می‌کردند.^۳

گزارش‌ها روزانه توسط افراد مختلف تهیه می‌شد ولی خط کاتب، یکی است. جمعاً ۳۸ گزارش موجود است؛ ۱۰ گزارش از جمادی‌الثانی، ۱۸ گزارش از رجب و ۱۰ گزارش از شعبان. هر گزارش شامل چند برگ می‌باشد که شایعات و اخبار را نسبتاً به اختصار توضیح می‌دهد. گزارش‌ها از طرف رئیس نظمیه «وستداهل» به فرمانفرما نوشته و (به عنوان نمونه) چنین آغاز می‌شد:

نمرة ۵۵۹

مورّخه ۱۸ جمادی‌الثانی مطابق ۱۲ برج ثور ۱۳۳۳^۴

نظمیة طهران

مقام منبع بندگان حضرت والا شاهزاده اعظم آقای وزیر داخله - دامت شوکته

۹ فقره راپرت واصله به توسط پلیس مخفی راجع به شایعات شهری در ده صفحه لفاً تقدیم و از نظر مبارک خواهد گذشت.

رئیس کل تشکیلات نظمیه طهران، وستداهل

در پایان گزارش نیز شماره‌ای وجود دارد که رمز پلیس مخفی است. تعداد پلیس‌هایی که این گزارش‌ها را تهیه می‌کردند، مشخص نیست ولی تا عدد ۱۵ هم ذکر شده است.

تاکنون سه نمونه از این نوع گزارش‌ها به دست آمده است؛ نمونه اول را آقای ایرج افشار، تحت عنوان

۱. روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی/ایران، «مذاکرات مجلس سوم تقنینیه» (تهران: مطبوعه مجلس، ۱۳۲۷)؛ ص ۱۰۹.

۲. اداره نظمیه مدرن را کنت دومونت فورت در سال ۱۲۹۵ هـ.ق. پایه‌گذاری کرد. وی تا سال ۱۳۰۹ در ایران بود. بعد از او رؤسای نظمیه، ایرانی بودند؛ تا سال ۱۳۳۱ هـ.ق. که «میجر جنرال وستداهل» از سوئد استخدام شد و با عده‌ای همکار به ایران آمد. وی مدت ۱۰ سال و ۴ ماه در ایران حضور داشت. امنیت شهر و آموزش افراد پلیس از وظایف او بود.

۳. روزانه گزارش‌هایی از مجلات تهران برای کنت دومونت فورت تهیه می‌شد که گزارش‌کنندگان، در آن، بیشتر به وقایع شهر، حرکات مردم مانند عروسی، عزا، مهمانی، سوگواری، دزدی، قتل و غیره می‌پرداختند.

۴. در این گزارش‌ها برخلاف معمول، هم از تاریخ قمری و هم شمسی استفاده شده است ولی یکی از دو مورد تاریخ‌های مذکور، اشتباه‌اند. در این مقاله از تاریخ‌های قمری استفاده شده است.

خاطرات و اسناد مستشارالتوله صادق؛ راپورت‌های پلیس مخفی از شایعات سال‌های ۱۳۳۳ و ۱۳۳۵ منتشر کرده است؛^۱ نمونه دوم، گزارش‌های پلیس شیراز است که برای فرمانفرما حاکم وقت فارس، بین سال‌های ۱۳۳۴-۳۹ تهیه می‌شد؛ نمونه سوم، گزارش‌های پلیس مخفی است که موضوع این مقاله است؛ هر سه مجموعه در ایام جنگ تهیه شده‌اند.

آقای سیفی فمی تفرشی که تاریخچه نظمیه را نوشته و تشکیلات نظمیه تهران را شرح داده است، می‌نویسد:^۲

نظمیه از دو قسمت تشکیل می‌شد: اداره مرکزی، پلیس اونیفرمه، پلیس تأمینات و محبس، و ریاست کل تشکیلات که بر عهده رئیس اداره مرکزی بود و به شعب ذیل تقسیم می‌شد: دایره کابینه، شعبه تکنیکی و دفتر محاسبات.

در این تقسیم‌بندی، اشاره‌ای به پلیس مخفی نشده است. شاید یکی از وظایف شعبه تأمینات، تحقیق جرایم بود. ولی آقای سیفی می‌نویسد که مأمورین تأمینات با خود نشان شیر و خورشید داشتند و بی‌شک پلیس مخفی چنین نشانی را نداشت. امکان دارد که ایشان قسمتی از شعبه پلتیکی را که تحت اداره مستقیم و ستاد اهل قرار داشته، تشکیل می‌داده‌اند.

محور اصلی گزارش‌هایی که در زمان تصدی وزارت داخله فرمانفرما تهیه شده است، بیشتر جنبه سیاسی و امنیتی دارند که هم برای دولت و هم برای شخص فرمانفرما اهمیت داشته‌اند.

گزارش‌ها، شایعات و اخباری را که در شهر شنیده می‌شد، به اطلاع وزیر داخله می‌رساندند؛ منشأ آن هرچیز یا هرکسی می‌توانست باشد. حتی امکان داشت که خود دولت، خبر یا شایعه‌ای را پخش کند و یا گروه‌های ذی‌نفعی نیز اخباری که صحت نداشت را منتشر نموده و شیوع دهند. در هر حال، این روند در هدایت افکار عامه تأثیر داشت؛ مانند خبر کشته شدن رئیس بانک روس در اصفهان. بعضی خبرها موجب اضطراب مردم می‌شد یا حس بدبینی و سوءظن ایشان را برمی‌انگیخت؛ مانند خبر عیادت وزیرمختار انگلیس از رئیس‌الوزراء که باعث شده بود، مردم انتظار پیشامد تازه‌ای را داشته باشند. بعضی اطلاعاتی که پلیس گزارش می‌کرد، خبرهایی بود که به گوش مردم می‌رسید؛ مانند این خبر که روس‌ها در انزلی قوا پیاده کرده‌اند یا اینکه به تهران قوا می‌فرستند، یا روس‌ها به قزوین سالدات وارد کرده‌اند. چند بار هم نام کسی که خبر را شایع کرده بود، ذکر شده است.

نحوه جمع‌آوری اطلاعات نیز اکثراً مشخص است که یا از طریق تعقیب افراد و یا حضور در بین مردم بود. چنانچه در ۲۳ جمادی‌الثانی نوشته‌اند:

چند نفر از فرقه اعتدال در یک نقطه صحبت می‌کردند. پلیس حتی از داخل منازل و جلسات کلوپ‌های احزاب، اطلاع داشت.

به‌طور کل از این گزارش‌ها می‌توان فعل و انفعالات دولت و قدرت‌های بزرگ را سنجید و شمه‌ای از مشکلات دولت که در جای دیگر منعکس نیست را درک کرد؛ مانند نارضایتی و اضطراب مردم، اقدامات

۱. خاطرات و اسناد مستشارالتوله صادق، ج ۳ (راپورت‌های پلیس مخفی از شایعات شهری (۱۳۳۳-۱۳۳۵)). به کوشش ایرج افشار (تهران: طلایه، ۱۳۶۷).

۲. سیفی فمی تفرشی، مرتضی، نظم و نظمیه در دوره قاجار (تهران: یساولی، ۱۳۶۲)؛ صص ۱۸۸-۱۸۷.

مخالفین دولت، سوءظن نسبت به بیگانگان و خودی؛ مثلاً در ۱۳ رجب شایع شده بود که مردم در تهران انتظار انقلاب دارند. هم‌چنین عقیدهٔ عده‌ای از مطلعین، این است که مسئلهٔ اسکناس خالی از یک مقصود پلتیکی نبوده و نیست، چون دولتین مشاهده کردند که:

افکار عمومی، طوری متوجه جنگ اروپا گشته که محتمل است از طرف ملت، بعضی نمایشات برضد منافع اقتصادی و پلتیکی داده شود. خواسته‌اند بدین وسیله، افکار اهالی را پریشان کنند که دیگر فرصتی برای مدافعهٔ حقوق ملی باقی نگذاشته باشند.

مسئلهٔ اسکناس از اولین اثرات جنگ در سیاست بانک شاهی بود. با آغاز جنگ، انتشار اسکناس ۱۰٪ تقلیل یافت که به سرعت در امور بانکی ایجاد بی‌اعتمادی کرد. تبلیغات آلمان‌ها نیز موجب سلب اعتماد از بانک شاهی شد و مردم برای تبدیل اسکناس به نقره، به بانک هجوم آوردند؛ به طوری که جفری جونز مؤلف تاریخچهٔ بانک شاهی نوشته است:

موجودی نقد بدهکاری بانک از ۶۴٪ در سپتامبر ۱۹۱۴/ ذی‌قعدة ۱۳۳۲ به ۳۶٪ در مارس ۱۹۱۵/ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ ه.ق. رسید.^۱

و بانک دچار بحران شدیدی گشت. جونز ادامه می‌دهد که در آن شرایط اضطراری، مارلینگ، وزیرمختار انگلیس با کمک روس‌ها کابینهٔ عین‌الدوله را بر سرکار آورد. در ۱۱ جمادی‌الثانی قبل از معرفی کابینه، عین‌الدوله در جلسهٔ فوق‌العادهٔ مجلس رأی اعتماد گرفت. وی در همان روز از مجلس خواست تا برای حل مسئلهٔ اسکناس که مردم را مضطرب کرده بود، جلسهٔ فوق‌العادهٔ دیگری برای رسیدگی به این مشکل در ۱۲ جمادی‌الثانی تشکیل شود. طبق لایحه‌ای که تقدیم مجلس شد برای حل مشکل تجارت مقرر گردید بانک، روزانه فقط ده هزار تومان مسکوک نقرهٔ ایران را به مدت ۶۰ روز تأدیه کند. رئیس مجلس نیز اظهار داشت که سفارت انگلیس اسکناس‌های بانک شاهنشاهی را ضمانت می‌کند.

ولی مسئلهٔ اسکناس به آسانی حل نشد و مدتی طول کشید تا اسکناس اعتبار یافت. چند روز بعد از لایحهٔ دولت، در ۱۸ جمادی‌الثانی، پلیس گزارشی از نارضایتی مردم ارائه کرد و نوشت:

از مقدار دو هزار تومان پولی که قرار است بانک در شعبهٔ خود روزانه بدهد، یک مقدار را به اجزای بانک می‌دهد... دیروز در شعبهٔ بازار هم همین ترتیب را معمول داشته بودند و کسبه هم اطلاع حاصل کرده؛ بنای مشاجره را گذاردند و برای اینکه آژان از زد و خورد و اغتشاش جلوگیری می‌کند، می‌گویند مخصوصاً انگلیسی‌ها می‌خواهند به این وسیله، تنفر مردم را نسبت به نظمیّه جلب کنند و بیشتر به صرف‌های بازار هم پول می‌دهند.

صرف‌ها سه روز بعد بازار را تعطیل کردند و درخصوص اعلان نظمیّه دربارهٔ رواج اسکناس اجتماع نمودند. تجار هم چند ماده دربارهٔ اسکناس حاضر کردند که اگر بانک قبول کرد و دولت انگلیس تضمین نمود، اسکناس را رواج خواهند داد. بعضی از کسبه هم اسکناس را قبول نمی‌کردند.

پلیس همچنین از کمبود اسکناس می‌نوشت. در اول رجب، یک روز که مردم در شعبات بانک منتظر پول بودند، از طرف بانک خبر دادند که کلید صندوق نزد تحویل‌دار است و او به شمیران رفته [است]؛ به این جهت امروز پول داده نخواهد شد. پلیس می‌افزاید:

1. Jones, G., *Banking and Empire in Iran: the History of the British Bank of the Middle East*, vol. 1 (UK: Cambridge University Press, 1987); pp. 172-173.

دیگر معلوم است حال جمعیتی که بیشتر از ۴ ساعت منتظر شده باشند و این جواب را بشنوند، چه خواهد بود.

طبق گزارش‌های پلیس در ۴ رجب، مسئله پول مثل روزهای قبل بود ولی کم‌کم فروکش کرد و دیگر مطلبی در گزارش‌ها ذکر نشده است.

علی‌رغم اطمینانی که مجلس به عین‌الدوله داد اما همه اعضای کابینه، مورد تأیید عده‌ای از وکلا به خصوص دموکرات‌ها و مطبوعات وابسته به آن‌ها نبودند. در ۲۴ جمادی‌الثانی پلیس مخفی گزارش کرد: در اغلب مجالس می‌گویند بعضی از وزرا به طرف دولتین روس و انگلیس، متمایل هستند و از آن‌ها اظهار سوءظن می‌کنند.

در این شرایط عین‌الدوله سعی کرد تا از مجلس اختیارات تام بگیرد ولی مجلس با آن مخالفت نمود و بحث‌های مفصلی در مجلس درگرفت که پلیس آن را نیز گزارش کرده است. در یکی از این گزارش‌ها نوشته شده:

بعد از جلسه ۲۸ جمادی‌الثانی، اعتدالی‌ها در کلوپ خود جمع شدند و به بحث ادامه دادند؛ هم نمی‌خواستند اختیارات تام داده شود و هم نمی‌ترسیدند رئیس‌الوزراء استعفاء دهد و کابینه سعدالدوله به روی کار آید.

در منزل رجال و سایر کلوپ‌ها هم همین بحث بود و هیئت مؤتلفه به غیر از دو نفر که پلیس از آن‌ها نام نبرده است، همگی مخالف بودند. حزب اتحاد و ترقی هم با این موضوع مخالف بود و می‌ترسید که اگر اختیارات داده شود، مجلس را تعطیل و جراید را توقیف کنند. در عین حال، خبر استعفای رئیس‌الوزراء شایع بود. عقیده عده‌ای از وکلای بی‌طرف و اعتدال این بود که بعضی از وزرا که محل اعتماد نیستند، استعفا دهند. کسبه و بازاری‌ها هم به مجلس عریضه می‌نوشتند که اختیارات تام به دولت داده نشود. در ۳ رجب خبر دادند که رئیس‌الوزراء استعفای خود را به شاه تقدیم کرده، اما اعلیحضرت قبول نکرده است. این خبر همزمان با خبر قتل رئیس بانک استقراضی روس در اصفهان بود که همه را وحشت‌زده کرد. عین‌الدوله استعفا نداد و راضی شد که به جای اختیارات تام، لفظ اقتدار نوشته شود تا مورد موافقت و کلا قرار گیرد.^۱ اخبار متفرقه در گزارش‌های پلیس زیاد نبود ولی گاه بعضی وقایع جالب توجه شرح داده می‌شد؛ مانند خبر ۲۶ جمادی‌الثانی مبنی بر اینکه:

عده‌ای بچه ولگرد با لباس‌های غیرمعمول، اعلان سیرک را به اشکال مختلف و با همدیگر وارد بازار شده بودند. اهالی به هیجان آمده؛ اعلان‌ها را پاره کرده و نزدیک بود بچه‌ها را کتک بزنند که مأمورین نظمیه آن‌ها را خلاص می‌کنند.

در ۲۱ رجب پلیس خبر می‌دهد:

مسیو برنان درصدد است پرده جنگ اروپا را به طور سینماتوگراف، در خیابان علاءالدوله، منزل مرحوم امیرنظام نمایش دهد.

یا اینکه عده‌ای را نام می‌برد که در منزل سردار منصور؛ مجلس قمار برقرار نموده‌اند.

ولی اکثر گزارش‌ها مربوط به امور دولتی و سیاسی بود. یکی از مشکلات دولت در این وقت، مقابله با

۱. اتحادیه، احزاب سیاسی در مجلس سوم، همان؛ ص ۱۵۷.

تعدیات نایب حسین کاشی بود و شکایات رعایای کاشان که به تهران آمده بودند. پلیس در ۱۸ رجب گزارش داد:

رؤسای کاشی‌ها برحسب دستورالعملی که به آن‌ها داده شده است، جمعی از اهالی کاشان را وادار کرده که زنهایشان را هم درب پارلمان جمع نمایند. روز پیش عده کثیری از زن‌ها جمع شده؛ فریاد می‌زدند؛ مردها هم قهوه‌خانه بزرگ در مقابل مجلس اجاره کرده، منزل کرده‌اند. چند روز بعد، مدرّس با آن‌ها ملاقات کرده و قول رسیدگی داده بود.

در کابینه عین‌الدوله، وکلا به تکمیل بقیه قانون مالیّه و سپس قانون پست پرداختند که پلیس همچنان گزارش می‌کرد. شور اول قانون پست در مجلس دوم انجام گرفت و در این زمان به تکمیل شور دوم پرداختند که سرانجام در ۱۵ رمضان هنگامی که کابینه به واسطه استیضاح فرمانفرما دچار بحران شد، به تصویب رسید. گزارش‌های پلیس از جلسات مجلس و مذاکرات وکلا درباره قانون پست، مالیّه و بودجه و اعتبارنامه بعضی از وکلا که تدریجاً وارد می‌شدند، خبر می‌داد.

روابط خارجی و گزارش‌های پلیس مخفی

مجلس سوم، وارث مشکلات مجلس دوم بود؛ علاوه بر اینکه درگیر جنگ جهانی اول و عواقب آن نیز شد. وکلا و سیاستمداران دچار سردرگمی شدند و بسیاری از اوقات، عملکرد احزاب و مطبوعات، متناقض و ناشیانه بود.

رابطه حزب دموکرات با روس و انگلیس، به خصوص با روس‌ها خصمانه بود و علی‌رغم اینکه دولت اعلان بی‌طرفی کرد، دموکرات‌ها جنگ را فرصتی دانستند تا به پشتوانه آلمان و عثمانی استقلال کشور را نجات دهند. آن گروهی از حزب اعتدال که با دموکرات‌ها ائتلاف کرد نیز هوادار آلمان و عثمانی شد و به خصوص از سیاست «اتحاد اسلام» عثمانی جانبداری کرد.^۱ روزنامه‌ها نیز همین جناح‌بندی‌ها را دنبال نمودند. بعضی بسیار تندرو بودند و دولت را مورد حمله قرار می‌دادند؛ مانند کوشش و عصر/انقلاب؛ بعضی هوادار دولت بودند؛ مانند ارشاد و شورا. بامداد روشن به عثمانی نزدیک بود. عصر جدید، هوادار روس و روزنامه رعد هوادار انگلیسی‌ها شد. در واقع روزنامه‌ها می‌توانستند افکار عمومی را تهییج کنند؛ جنجال بیافرینند و جو را بیشتر منقلب کنند که در گزارش‌های پلیس مشهود است. یکی از نکات جالب توجه گزارش‌های پلیس مخفی، فعال شدن کسبه و بازاری‌ها بود که شاید تحت تأثیر مطبوعات و تبلیغات روزنامه‌ها قرار داشتند. شاید هم بازار، دینامیک خودش را داشت زیرا که از دیرباز، محلی سیاسی به شمار می‌آمد و نسبت به مسائل دولتی، بی‌تفاوت نبود. اکنون طبق گزارش‌های پلیس، ایدئولوژی اتحاد اسلام نیز بر ایشان بسیار تأثیر داشت.

رابطه دولت عین‌الدوله با مطبوعات خوب نبود. به طور کل، دولت اجازه بحث درباره روابط خارجی را به روزنامه‌ها و نیز به وکلا نمی‌داد؛ چنانچه عین‌الدوله هنگام استیضاح فرمانفرما در مجلس گفت:

۱. در تاریخ روابط خارجی ایران در دوره قاجار اکثراً توجه به رابطه با روسیه و انگلستان معطوف بوده و به رابطه عثمانی با ایران کمتر توجه شده است، در حالی که اسناد بسیاری موجود است که پرده از این روابط برمی‌دارد و نکات تازه‌ای را روشن می‌کند. گزارش‌های پلیس که در اینجا شرح داده شد، از زمره همین اسناد است.

قلم آزاد است و البته مطبوعات خیلی خوب است اما آزادی برای مملکت است، نه مملکت برای آزادی؛ وقتی که جراید از حدود خودشان تخطی و تجاوز کنند البته باید هیئت دولت آن‌ها را توقیف کند. جراید چه حق دارند داخل در سیاست خارجی شوند؟ می‌دانید چه می‌نویسند؟ هریک خود را به دسته‌ای بسته که هرچه به قلمشان می‌آید، می‌نویسند و نمی‌دانند چه اندازه نتایج ناگوار در عقب دارد.^۱

و کلاً نیز به گونه‌ای مبهم به دست‌هایی اشاره کردند که در کرمانشاه آشوب به پا کرده بود. پلیس کاملاً مطلع بود که روزنامه‌نگاران، سیاستمداران، تجار و بازاری‌ها، با سفارتخانه‌ها رابطه دارند و حتی پول و دستور می‌گیرند. همچنین پلیس، خبر مربوط به رفت و آمد رجال در سفارتخانه‌ها یا شایعات درباره فعالیت‌های روس، آلمان و عثمانی را گزارش می‌کرد و اینکه دولت قادر به جلوگیری از این روابط نبود. نکته جالب توجه این است که تقریباً خبری از فعالیت انگلیسی‌ها نیست. بی‌شک در این گیرودارها انگلیسی‌ها منفعل نبودند، چون نفوذشان در تشکیل کابینه‌ها کاملاً واضح است، بنابراین باید چنین تصوّر کرد که عملیاتشان نیز کمتر از سایرین آشکار بود.

خبر فعالیت آلمان‌ها هم نسبتاً کم بود و امکان دارد که در این وقت، فعالیت آلمان‌ها که در غرب و جنوب، تازگی داشت، هنوز در تهران چندان انعکاس نیافته بوده باشد. یک جا نوشته‌اند:

سفیر آلمان با اسلحه وارد شده، یا سفیر آلمان و اطیش مجاهدین را جمع‌آوری می‌کنند؛ اسلحه می‌دهند و از طریق کرمانشاه به اصفهان وارد کرده و بین اهالی تقسیم نموده‌اند؛ الحال قریب سه هزار نفر در تحت اسلحه و آماده می‌باشند.

ظاهراً دولت از پلیس خواسته بود که مسئله مجاهدین را دنبال کند چراکه در ۹ رجب نوشته‌اند:

مسئله مجاهدین گرفتن سفارت آلمان، حسب الامر دنبال شد.

و اینکه قریب ۲۰ رأس قاطر، جعبه‌های اسلحه را به سفارت آلمان برده‌اند. برعکس اخبار مربوط به آلمان و انگلیس، خبرهای روس و عثمانی در گزارش‌ها زیاد است، چون هر دو قدرت در خاک ایران می‌جنگیدند و خطرناک‌تر به نظر می‌رسیدند. بنابراین، پلیس، عملیات آن‌ها را بیشتر زیر نظر داشته است.

سابقه رابطه ایران و روسیه از زمان مشروطه رو به وخامت گذاشت. رفتار خصمانه روس‌ها نسبت به ایران، تهدیدآمیز و شایعات حاکی از این نگرانی‌ها بود. به نظر می‌رسد که روس‌ها مدافعینی داشتند، چنانچه در ۱۶ شعبان شایع شد که عده‌ای، از سفارت روس تقاضا کرده‌اند که به تهران سالدات بفرستد. البته ممکن است که این هواداری، ساختگی و توسط روس‌ها طراحی شده باشد. رفتار روس‌ها همواره مورد حمله و انتقاد ملیون بود و یکی از عللی که در آغاز جنگ، آن‌ها به کمک آلمان و عثمانی شتافتند، همین موضوع به نظر می‌رسید. مردم از واکنش‌های روس می‌ترسیدند؛ چنانچه طبق گزارش پلیس در ۱۶ رجب، خبر دیدار سفیر روس با رئیس‌الوزرا باعث اضطراب مردم شده بود. روز بعد پلیس خبر داد که سفارت روس اسلحه می‌خرد و اینکه مجاهدین مسلح را به دور خود جمع می‌کند، موجب وحشت مردم شده است. هر از چندی، شایعه آمدن سالدات روس به قزوین منتشر می‌شد. در ۱۹ رجب، پلیس مخفی خبر ورود روس‌ها به

۱. نکته جالب توجه، این است که در کل بحث‌هایی که بر سر استیضاح فرمانفرما مطرح گردیده، به نام رئوف‌بیک و عثمانی اشاره‌ای نرفته است. چنانچه فرمانفرما گفته: «وقتی که ما وارد این کابینه شدیم، یک اغتشاش در آنجا بود و رئوف‌بیک هم که نمی‌شناسم کیست و نمی‌دانم از کجا آمده است، تا سر پل آمده بود.»



انزلی را داد و اینکه اهالی همدان سخت ترسیده بودند. چند روز بعد باز شایع گردید که قشون روس در اطراف قزوین در آمد و شد هستند.

در گزارش‌های پلیس مخفی، اخبار مربوط به فعالیت عثمانی هم زیاد بود و خبر عملیات عثمانی در شمال غربی و غرب به تهران می‌رسید و اذهان را به تشویق می‌انداخت؛ مثلاً نوشته‌اند که عثمانی ایلات را از طریق مذهب تحریک می‌کند. در ۲۸ جمادی‌الثانی شایع شد که قوای عثمانی وارد کرمانشاه شده‌اند. همچنین شایع شد که سفارت عثمانی، اسلحه می‌خرد و مجاهدین را جمع می‌کند.

جالب توجه است که دولت از طریق گزارش‌های پلیس از رابطه سفارت عثمانی با روزنامه‌ها به خصوص *بامداد* روشن اطلاع داشت و یک بار پلیس گزارش می‌دهد:

دستورالعمل‌ها به مدیر *بامداد* روشن داده شده و او را وادار کرده‌اند که افکار عمومی را علیه این کابینه نماید و مخصوص شاهزاده وزیر داخله را تعقیب نماید و گفت‌وگو می‌کنند که از طرف وزارت داخله به حکمران حالیه کرمانشاهان و همدان دستورالعمل‌های مخصوص داده‌اند که رؤسای ایلات را علیه عثمانی‌ها وادار به بعضی اقدامات نماید. میرزا محمدعلی خان مدیر روزنامه مذکور، از این مسئله، خیلی دلتنگ می‌باشد و با تجار و رؤسای اصناف، ملاقات می‌کند و مشغول اقدامات است.

همکاری مدیر *بامداد* روشن با سفارت، در گزارش‌های دیگر هم آمده است. هم‌چنان که نوشتند: «مدیر *بامداد* روشن اخبار مجلس را از حاج معین بوشهری می‌شنود و به اطلاع سفارت عثمانی می‌رساند.» یا «از طرف سفارت برای تعقیب کابینه به مدیر جریده *بامداد* روشن دستور داده می‌شود و مشارالیه هم با اطمینان آن‌ها را دنبال می‌نماید». در گزارش دیگری نوشتند که «سفارت آلمان و عثمانی نتوانستند آن‌قدر که انتظار داشتند از روزنامه *بامداد* روشن استفاده کنند.» سفیر عثمانی با روزنامه‌های دیگر نیز دیدار داشت. *بامداد* روشن بیشتر به فرمانفرما حمله می‌کرد، اما روزنامه‌های دیگر، منتقد دولت عین‌الدوله بودند؛ مانند عصر/انقلاب و کنکاش که از مدافعین سرسخت «اتحاد اسلام» و هوادار آلمان و عثمانی بودند و به دستور عین‌الدوله که از جراید می‌خواست بی‌طرفی را رعایت کنند، اعتنایی نمی‌نمودند و به دولت، سخت حمله می‌کردند. روزنامه *آفتاب* به اعتدالیون نزدیک بود. بعضی از روزنامه‌ها از برخی رجال مانند سپهدار اعظم پول می‌گرفتند؛ از جمله کمال‌السلطان که درصدد انتشار روزنامه *ستاره* بود. این حملات باعث شد که به دستور وزیر داخله، کنکاش تعطیل گردد که سخت مورد انتقاد قرار گرفت. طبق نوشته پلیس، سایر روزنامه‌ها از توقیف آن خرسند بوده و با ملاحظه بیشتری مقاله نوشتند.

هنگامی که دولت، بی‌پول و ضعیف، و کشور در هرج و مرج بود و نیز جنگ در شمال غربی و غرب و جنوب جریان داشت، از سوی عثمانی ضربه دیگری در ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ به کشور وارد شد. رؤوف‌بیک فرمانده قوای عثمانی وارد قصرشیرین شد و در ۹ جمادی‌الاول به سرپل ذهاب رسید و کرمانشاه در معرض خطر اشغال قرار گرفت. طبق گزارش پلیس حتی در تهران شایع شد که عثمانی‌ها وارد کرمانشاه شده‌اند. در این وقت، مخالفت با امیرمفتح، حاکم کرمانشاه آغاز گردید و به خاطر اینکه دولت به او کمکی نمی‌کرد، وی قصد استعفا داشت. دولت عین‌الدوله تازه بر سر کار آمده بود و وزیر داخله از امیرمفتح فرصت خواست

تا کمک بفرستد؛ ولی علی‌رغم سفارش دولت، امیرمفخم استعفا داد.^۱ در این هنگام حزب دموکرات، اعتدالی‌ها را کنار زد و بدون رجوع به آن‌ها و^۲ بدون بردن نام عثمانی در ۱۳ شعبان، به بهانه اینکه به موقع حاکم به کرمانشاه اعزام نکرده، فرمانفرما را استیضاح نمود:

از وزیر داخله راجع به وقایع ناگوار و پریشانی امور امروز کرمانشاهان که نتیجه مسامحه و سوءتدبیر اقدامات حضرت معظم‌له است، استیضاح داریم.

بسیست نفر از نمایندگان این را امضا کرده بودند. البته قبلاً پلیس در گزارش خود خبر داده بود که دموکرات‌ها درصددند که وزیر داخله را استیضاح کنند.^۳

بحث بر سر این مسئله، زیاد بود و دموکرات‌ها انتقادات بسیاری از فرمانفرما کردند ولی در طول مذاکرات، نامی از عثمانی برده نشد. حتی محتشم‌السلطنه وزیر خارجه گفت:

همه خوب می‌دانند و نمی‌خواهند بدانند مطلب کجاست و سر چیست؟

فرمانفرما در دفاع از خودش گفت:

افسوس که آقای وزیر خارجه، دهنه به دهن من زده است که نمی‌توانم در سیاست داخل شوم.^۴

هدف دموکرات‌ها برکناری کل کابینه نبود ولی عین‌الدوله از فرمانفرما دفاع کرد و گفت:

همه مکاتبات و تصمیمات، مشترک بوده؛

و کابینه استعفا داد.^۵

عملکرد دموکرات‌ها در این بحران، نشانه تناقض و سردرگمی حزب بود که چون نمی‌توانستند عملیات

ترک‌ها را توجیه کنند، نفرستادن حکومت را بهانه کرده، فرمانفرما را استیضاح نمودند.

برای درک این تناقض باید به رابطه فرمانفرما از یک سو با دموکرات‌ها و از سوی دیگر با عثمانی

پرداخت. دموکرات‌ها دشمنان دیرینه فرمانفرما بودند. وی نماد طبقه‌ای بود ثروتمند، با موقعیت خانوادگی

ممتاز، و نفوذ و قدرت و همه آنچه را که دموکرات‌ها بدان انتقاد می‌کردند، در خود جمع داشت. خصومت و

۱. البته شرایط غرب کشور به‌خصوص در کرمانشاه، بسیار پیچیده بود که در اینجا به اختصار بسیار، توضیح داده شد؛ برای اطلاع بیشتر، نک: گرکه، اولریخ، پیش به سوی شرق؛ ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول، ترجمه پرویز صدیقی، ج ۱ (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۷)؛ اغلب صفحات.

۲. اتحادیه، زمانه و کارنامه سیاسی و اجتماعی عبدالحسین میرزا فرمانفرما، همان؛ ج ۲، ص ۲۷۳.

۳. روزنامه شورا هم به شایعات شهر توجه کرده و نوشته بود: مسئله استیضاح در همه جای شهر شایع شده. (شورا، ش: ۶۸، مورخ ۱۸ شعبان ۱۳۳۳).

اعظام قدسی از فعالان سیاسی نیز در خاطرات خود نوشته است که فرمانفرما وارد جلسه حزب دموکرات شد، در حالی که افراد حوزه، فریاد می‌زدند: «مرگ بر فرمانفرما». (اعظام قدسی، حسن، خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صدساله، ۲ جلد (تهران: ابوریحان، ۱۳۴۹)؛ ص ۲۷۲).

۴. اتحادیه، زمانه و کارنامه سیاسی و اجتماعی عبدالحسین میرزا فرمانفرما، همان؛ ج ۳، ص ۲۷۶.

۵. احتمالاً یک علت تصمیم عین‌الدوله به استعفا با وجود اینکه چند بار در مجلس گفته شد که استیضاح فقط متوجه فرمانفرماست، مربوط بود به اطلاعاتی که پلیس از افکار عمومی گزارش می‌کرد، که چگونه به اشاره دولت بیگانه، عده‌ای از وکلا، وزیر او را استیضاح کرده‌اند. استعفای عین‌الدوله یک نوع اعتراض به خطمشی دموکرات‌ها بود که از ورود خصمانه عثمانی به خاک ایران چشم‌پوشی کرده و تقصیر را به گردن وزیر داخله می‌انداختند. عین‌الدوله علت استعفای خود و کابینه‌اش را چنین توضیح داد: «من... وطنم را بی‌اندازه دوست دارم و این حال امروزه را بی‌اندازه برای مملکت مضر می‌دانم و با این ترتیب، دیگر نمی‌توانم کار بکنم».

انتقاد از فرمانفرما از آغاز مشروطه با حملات روزنامه چپ‌رو صور/سرافیل آغاز شد.^۱ مأموریت در حکومت آذربایجان در ۱۳۲۵ هـ.ق، مورد حمله اجتماعیون عامیون (دموکرات‌های بعدی) قرار داشت. در مجلس دوم در تمام پست‌هایی که فرمانفرما داشت، دموکرات‌ها از وی انتقاد کردند. در مجلس سوم این بدبینی و انتقادات فقط محدود به کرمانشاهیان نبود و در مدت کوتاهی که کابینه بر سر کار بود، به همه تصمیمات او ایراد می‌گرفتند.

آنچه از گزارش‌های پلیس مخفی استنتاج می‌شود، به‌خصوص به دلیل حملات بامداد/روشن که همان‌طور که اشاره شد از سفارت عثمانی دستور می‌گرفت، به نظر می‌رسد خصومت علیه فرمانفرما فراتر از سیاست حزبی می‌رفت و هدف برکناری او از وزارت داخله به دلیل موضع او در برابر عثمانی بود و دموکرات‌ها، دانسته یا ندانسته، به این بازی تن داده بودند.

ایران در سراسر مرز غربی با دولت عثمانی همسایه بود، ولی حدود این مرز مشخص نبود؛ به‌خصوص ایلات مختلف در دو طرف مرز در رفت و آمد بودند و در رابطه این دو کشور ایجاد مشکلات بسیاری می‌کردند که گاه به زد و خورد نیز منجر می‌شد. دولت عثمانی همیشه قوی‌تر بود و دولت ایران سعی داشت از راه مصالحه و مدارا با این دولت رفتار نماید. علت دیگری که دولت ایران روش مصالحه را ترجیح می‌داد، وجود مسئله شیعه و سنی بود و ترس از اینکه بین این دو گروه درگیری رخ دهد. در آن صورت احتمال دخالت روس‌ها می‌رفت که وضع را وخیم‌تر می‌کرد. فرمانفرما در مأموریت‌های خود در شمال غربی و غرب ایران با عثمانی و سیاست آن دولت، آشنا شده بود و سابقه دشمنی عثمانی نسبت به او ریشه‌های عمیقی داشت.

فرمانفرما در سال ۱۳۰۸ هـ.ق، به فرماندهی قشون آذربایجان منصوب شد و مدت ۷ سال در آذربایجان به سر برد و در این مدت توانست شورش ساوجبلاغ را با موفقیت فروبشانند.^۲ وی در مأموریت دوم خود در آذربایجان (۱۳۱۲ هـ.ق)، در کردستان که جزئی از حکومت ولیعهد بود، حکومت کرد و از امور عثمانی اطلاع یافت.

وی از سال ۱۳۲۰-۱۳۱۶ هـ.ق، به عراق تبعید شد و به‌طوری که خود او شرح می‌دهد، تعدیات عثمانی نسبت به زوآر و عابرین و ساکنین ایران را دیده بود.^۳ در سال ۱۳۲۱، به حکومت کرمانشاه مأمور شد و این بار با جدیت دولت را از رفتار خصمانه عثمانی مطلع کرد.

عقیده او این بود که دولت باید در مقابل زورگویی‌های عثمانی، یک نمایش دولتی بدهد؛ وی می‌نویسد: این کار، اسباب قوت قلب عشایر خودمان خواهد شد و از بعضی خیالات وحشی‌گری می‌افتند.

ولی اقدامی از طرف دولت نشد. حتی فرمانفرما پیشنهاد کرد که وزیر خارجه به کارگزاری بنویسد، در مقابل رفتار مأمورین دولت عثمانی نسبت به اتباع ایرانی، با آن‌ها نیز همان‌طور معامله کند.^۴ ولی در طول حکومت فرمانفرما در کرمانشاه، غارت عشایر ترک در ایران ادامه یافت که البته سفارت عثمانی منکر آن

۱. اتحادیه، زمانه و کارنامه سیاسی و اجتماعی عبدالحسین میرزا فرمانفرما، همان؛ ج ۱، ص ۳۰۳.

۲. همان؛ ص ۷۴.

۳. همان؛ صص ۲۷۲-۲۵۸.

۴. همان؛ ص ۲۶۲.

بود، ولی اگر به هر دلیلی، یکی از اتباع عثمانی شکایتی می‌کرد، پرونده از طریق سفارت و وزارت خارجه و از طریق وزیر خارجه به فرمانفرما ارجاع می‌شد و ایجاد اشکالات بسیاری برای حاکم می‌کرد و دولت فقط به نوشتن نامه‌های اعتراض‌آمیز اکتفا می‌نمود.^۱

در دوره مشروطه، فرمانفرما به حکومت آذربایجان منصوب گردید و این بار با تهاجم فریق‌پاشا به ساوجبلاغ و ارومیه و قتل و غارت آن‌ها روبه‌رو شد.

در جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ فرمانده عثمانی، فریق‌پاشا، به ارومیه و ساوجبلاغ حمله کرد؛ به این دلیل فرمانفرما با رضایت مجلس و انجمن تبریز به حکومت آذربایجان و مقابله با ترک‌ها مأمور شد ولی پول و نیرویی که قول داده شده بود، فرستاده نشد و دست فرمانفرما بسته بود و در رابطه با عثمانی، دولت هم‌چنان مانند سابق از هرگونه درگیری با عثمانی احتراز می‌ورزید.^۲ در مدت مأموریت فرمانفرما در آذربایجان، وکلای تندرو مرتباً از وی انتقاد می‌کردند؛ این حملات که در روزنامه‌ها منعکس می‌شد، ترک‌ها را بیشتر امیدوار می‌ساخت. وی یک بار نوشت:

وای بر احوال مملکتی که هرچه بگویی، به اغراض شخصی ترجمه و افهام دیگر بشود.^۳

ترک‌ها مدعی بودند که قسمت‌هایی از مناطق مرزی ایران جزو خاک عثمانی است و منکر تجاوز بودند. نکته جالب توجه که عداوت عثمانی‌ها را علیه فرمانفرما نشان می‌دهد، تبلیغات سوء علیه شخص اوست که تا حدودی بر اذهان عمومی تأثیرگذار بود.^۴ چنان‌که یک بار مدعی شدند، سربازهای فرمانفرما دهات اطراف ساوجبلاغ را چاییده‌اند. یکی دیگر از اتهامات عثمانی‌ها این بود که فرمانفرما به قتل و غارت سنی‌ها مبادرت کرده و اقدامات ظریف پاشا با هدف جلوگیری از تجاوزات فرمانفرما به خاک عثمانی صورت گرفته است.^۵ فرمانفرما در حکومت دوم خود در کرمانشاه (۱۳۳۲ - ۱۳۳۰) با طغیان سالارالدوله^۶ درگیر بود. فرمانفرما در ۱۳ شوال ۱۳۳۰ سالارالدوله را شکست داد ولی هم‌چنان مشکل اصلی، رابطه با عثمانی بود. مرز بین ایران و عثمانی نامشخص بود و سیاست آن دولت نیز به‌طور کلی، تهاجمی و خصمانه به نظر می‌رسید؛ در حالی که دولت ایران همیشه به فرمانفرما سفارش می‌کرد که از هر نوع درگیری حذر کند.

۱. همان؛ ص ۲۶۳.

۲. یک بار حبل‌المتین نوشت: «ترک‌ها می‌خواهند فرمانفرما را تحریک کنند که اعلان جنگ کند تا از ایران غرامت بگیرند.» (حبل‌المتین، سال ۳، ش: ۲۶۰، ۲۵ صفر ۱۳۲۶)

۳. اتحادیه، زمانه و کارنامه سیاسی و اجتماعی عبدالحسین میرزا فرمانفرما، همان؛ ج ۱، ص ۴۵۲.

۴. اقبال‌الدوله از فرمانفرما دفاع پرمعنایی کرد و گفت: «جداً این حرف‌ها را نسبت به یک نفر از افراد ایرانی به کلی تکذیب می‌کنم و اقترا و بهتان صرف می‌دانم؛ جهت اینکه تحقیقات کامل که نمی‌شود؛ البته اسباب شبهه می‌شود.» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۳، جلسه ۵۲، شنبه ۲۳ شعبان ۱۳۳۳).

۵. آرشیو اسناد وزارت خارجه، «مشیرالدوله به ارفع‌الدوله»، کارتن ۲۲، دوسیه ۴۰، ۲ ربیع‌الأول ۱۳۲۵.

۶. سالارالدوله پسر مظفرالدین شاه، مدعی سلطنت بود. او مدتی با مشروطه‌خواهان همراه شد. بعد از تبعید محمدعلی میرزا، به ایران برگشت و از برادرش علیه مشروطه‌خواهان حمایت کرد. او توانست ایلات غرب ایران را به نفع خود بشوراند که صدمات بسیار به مردم وارد نمود. وی کرمانشاه را غارت کرد ولی هم‌زمان با محمدعلی میرزا شکست خورد و فرار کرد. در این وقت، فرمانفرما مأمور غرب کشور شد که پس از چندین نبرد بالأخره توانست سالارالدوله را شکست دهد. (اتحادیه، زمانه و کارنامه سیاسی و اجتماعی عبدالحسین میرزا فرمانفرما، همان؛ ج ۲، صص ۱۳۲-۱۱۵)

جنگ جهانی اول به عثمانی فرصتی داد تا شاید به اهداف دیرینه خود برسد. این بار نیز فرمانفرما با سابقه شناختی که از عثمانی داشت، به عنوان وزیر داخله سر راه ایشان قرار گرفت و بدین ترتیب، اتهامات و خصومت علیه او دور از انتظار نبود. البته همان طور که توضیح داده شد، عکس العمل دموکرات‌ها نیز قابل تصور بود و استیضاح فرمانفرما از این دو عامل نشئت می‌گرفت.

موضوعی که دموکرات‌ها در مجلس اتخاذ کردند، از نظر دولت و از حیث امنیت ملی، قابل دفاع نبود؛ روزنامه عصر جدید نوشت:

اکنون پس از آنکه رئوف بیک عده زیادی را کشته، اهالی ایلات کرمانشاه با قوه مستقیم درصدد جلوگیری برآمده‌اند؛ آن وقت مجلس استیضاح می‌کند.

و افزود:

کاش موضوع استیضاح، چیز دیگری بود.^۱

همان طور که اشاره شد، بامداد روشن حملات شدیدی علیه فرمانفرما می‌کرد، تا آن حد که برای منصرف کردن مردم از اینکه روس‌ها قوای اضافی پیاده کنند، عمداً مسئله کرمانشاه را در مجلس مطرح نمود.^۲ هرچند این بیشتر جنبه تهمت دارد ولی احتمالاً فرمانفرما در این فکر بود که شاید بتوان به وسیله اعزام قوای روس، جلو تحریکات آلمان و عثمانی را گرفت. در یکی از گزارش‌های پلیس چنین آمده است: حاجی محمدحسین شال فروش اظهار داشت که چند روز قبل شاهزاده فرمانفرما در منزل شیخ‌العراقین شرحی از تعدیات عثمانی‌ها و مخصوصاً از سوءرفتار خلیل بیک رئیس قشون عثمانی که در ایران است، بیان نمود و اظهار می‌داشت هرگاه عثمانی در این جنگ، فاتح باشد، معامله‌ای که افغان‌ها با شاه سلطان حسین کردند با ایران خواهند نمود و تکلیف قطعی ایران، این است که بدون فوت فرصت، از همسایه شمالی مساعدت خواسته؛ عثمانی‌ها را از خاک ایران خارج نمایند.

حمله رئوف بیک تنها نقض بی‌طرفی نبود بلکه تجاوز به خاک ایران نیز به حساب می‌آمد که کمی بعد از حمله خلیل بیک به آذربایجان روی داد. مخالفین فرمانفرما به این نکته بسیار مهم توجهی نکردند و وضع کرمانشاه را به دلیل نفرستادن حاکم توسط فرمانفرما بهانه کرده و او را استیضاح نمودند. گزارش‌های پلیسی که در حال حاضر به دست ما رسیده است، با استعفای عین‌الدوله در ۲۰ شعبان پایان می‌یابد. بعد از عین‌الدوله، مستوفی‌الممالک پس از یک بحران ۵۰ روزه، در ۶ شوال به رئیس‌الوزرائی رسید.

استیضاح فرمانفرما، موفقیتی برای سیاست دموکرات‌ها و عثمانی به شمار می‌رفت و فرمانفرما موقتاً از صحنه دور شد. ولی مستوفی‌الممالک مورد تأیید روس‌ها نبود؛ چه او را هوادار عثمانی و آلمان می‌دانستند و او نیز بیش از دو ماه دوام نیاورد. با پیش‌روی روس‌ها به سوی تهران در محرم ۱۳۳۴ هـ.ق، وکلای دموکرات‌ها و روزنامه‌نگاران و همه آن‌هایی که هوادار آلمان و عثمانی بودند، به ناچار تهران را ترک کردند.^۳ با آغاز مهاجرت و خروج این عده از تهران، قدرت و نفوذ دموکرات‌ها در مرکز پایان یافت. مجلس و روزنامه‌ها بسته شدند، یا تحت

۱. عصر جدید، سال ۱، ش: ۴، ۱۹ شعبان ۱۳۳۳.

۲. اتحادیه، زمانه و کارنامه سیاسی و اجتماعی عبدالحسین میرزا فرمانفرما، همان؛ ج ۲، ص ۳۰۴.

۳. مورخ‌الدوله سپهر، احمدعلی، ایران در جنگ بزرگ (۱۹۱۸-۱۹۱۴) (تهران: بی‌نا، ۱۳۳۵)، صص ۲۷۸-۲۳۷.

سانسور قرار گرفتند و عملیات عثمانی، به غرب و شمال غرب ایران محدود گردید. فرمانفرما نیز پس از دوره کوتاه ریاست الوزرائی، پس از مستوفی‌الممالک، به حکومت فارس مأمور شد.

نتیجه

دولت‌هایی که از آغاز مشروطه تشکیل شدند، رابطه مناسبی با احزاب سیاسی نداشتند و بین مجلس و وزرا همیشه نوعی شکاف وجود داشت. رئیس‌الوزرا اغلب منتخب شاه بود و با موافقت مجلس بر سر کار می‌آمد؛ هم‌چنان که دولت عین‌الدوله با رأی اعتماد مجلس آغاز به کار کرد. بعضی از وزرا، از جمله فرمانفرما، مورد تأیید حزب اکثریت یعنی ائتلاف دموکرات‌ها و اعتدالیون نبودند. البته وزرا عضو هیچ حزبی نبودند و حمایت احزاب نیز از دولت تداوم نداشت. بالعکس روابط بین دولت و وکلای مجلس بیشتر ستیزه‌جویانه به نظر می‌رسید و این یکی از عواملی بود که کابینه‌ها پس از مدت کوتاهی ساقط می‌شدند و ثباتی نداشتند.

مجلس سوم که با امیدهای فراوان آغاز به کار کرد، به‌سرعت درگیر مسائل ناشی از جنگ شد و کاملاً تحت‌الشعاع وقایعی قرار گرفت که به دور از حیطه مربوط به اختیارات و اطلاعات مجلس رخ می‌داد. بار دیگر نشان داده شد که در شرایط نیمه‌استعماری کشور و ضعف حرکت‌های ملی‌گرایانه و استقلال‌طلبانه، پیشرفت به سوی دموکراسی و آزادی عمل، تا چه اندازه دشوار بلکه غیرممکن بوده است. هم‌چنین روشن شد که قدرت‌های بزرگ درنهایت به دنبال منافع خود هستند و مسائل ایران تا جایی برای ایشان اهمیت داشته که در راستای سیاست‌های ملی آن‌ها قرار می‌گرفته است؛ ضمن اینکه راه دیگری برای کشوری با موقعیت ایران قابل تصور نبود، مگر اینکه به یکی از قدرت‌های بزرگ تکیه کند.

پلیس مخفی، تحت اداره نظمی، مأمور جمع‌آوری خبرها و شایعات شهری بود؛ کاری که در زمان وزارت مستشارالدوله صادق وزیر داخله نیز انجام می‌گرفت. این گزارش‌ها نشان می‌دهند که احزاب سیاسی نه تنها پایبند اصول ایدئولوژیک نبودند بلکه خصومت و جنبه‌های شخصی داشتند و زمانی که کشور در بحران قرار داشت و قوای بیگانه به داخل کشور وارد شده بود، وزیر داخله را استیضاح کردند.

نکته دیگری که این گزارش‌ها روشن می‌نماید، نقش عثمانی در سیاست داخلی ایران است؛ چنانچه با جوسازی علیه یکی از وزرا در این برهه حساس، باعث سقوط کابینه شدند.

جنگ جهانی بر همه جوانب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سایه افکند و عملاً کشور را به دو قسمت تقسیم کرد. در این گیرودار، مجلس شورای ملی که با امید و خوش‌بینی آغاز به کار کرده بود، دوام نیاورد و تعطیل شد. ولی علی‌رغم همه مشکلات، وکلایی که بین دو قطب متخاصم قرار گرفته بودند، توانستند به وظایف خود عمل کنند و مصوبات و لوایحی را که در دستور کار داشتند، به بحث گذاشته و به نتیجه برسانند.

گزارش‌های مورد بحث، حاکی از جو پایتخت، در ماه‌هایی است که مجلس هنوز بسته نشده بود. این گزارش‌ها علاوه بر ارائه نکاتی درباره روابط خارجی ایران به خصوص با عثمانی، فضای سیاسی حاکم بر شهر تهران، اشتغال ذهنی دولت، شایعات و اخبار و افکار عمومی، نقش احزاب و رابطه بعضی از روزنامه‌ها با سفارت‌خانه‌های بیگانه را آشکار می‌کند. این نوع روابط، ناشناخته نبود ولی چنانچه در این گزارش‌ها قابل مشاهده است، تأثیر آن در سرنوشت دولت و مجلس، بیش از آنچه تصور می‌شد، پُررنگ بود.



کتابنامه

- اتحادیه، منصوره، *زمانه و کارنامه سیاسی و اجتماعی عبدالحسین میرزا فرمانفرما*، ج ۳ (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۳).
- _____، *احزاب سیاسی در مجلس سوم (۱۳۳۴-۱۳۳۳ هـ.ق)* (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۱).
- اعظام قدسی، حسن، *خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صدساله*، ۲ جلد (تهران: ابوریحان، ۱۳۴۹).
- بهار، محمدتقی (ملک الشعراء)، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران (انقراض قاجاریه)* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳).
- سیفی فمی تفرشی، مرتضی، *نظم و نظمیة در دوره قاجار* (تهران: یساولی، ۱۳۶۲).
- گرکه، اولریخ، *پیش به سوی شرق: ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول*، ترجمه پرویز صدری، ج ۱ (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۷).
- مورخ‌التوله سپهر، *ایران در جنگ بزرگ (۱۹۱۸-۱۹۱۴)* (تهران: بی‌نا، ۱۳۳۵).
- Jones, G., *Banking and Empire in Iran: the History of the British Bank of the Middle East*, vol. 1 (Uk: Cambridge University Press, 1987).

اسناد و مطبوعات

- آرشیو اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران.
- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران.
- حبل‌المتین، سال ۳، ش: ۲۶۰، مورخ ۲۵ صفر ۱۳۲۶.
- خاطرات و اسناد مستشارالتوله صادق*، ج ۳ (راپورت‌های پلیس مخفی از شایعات شهری (۱۳۳۵-۱۳۳۳))، به کوشش ایرج افشار (تهران: طلایه، ۱۳۶۷).
- روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران* (تهران: مطبوعه مجلس، ۱۳۲۷).
- شورا، ش: ۶۸، مورخ ۱۸ شعبان ۱۳۳۳.
- عصر جدید، سال ۱، ش: ۴، مورخ ۱۹ شعبان ۱۳۳۳.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



نظمیه طهران
La Police de Téhéran

مورخه شهر تهران مطابق ۱۳۳۳

نمره

ضمیمه

بیت
تقدم تقدیر بندگان حضرت قدس و الله نه زده بخدمت آری

بخانه حضرت دارت و الله توطا بس تفریح بیات نه در

تقدیم در نظر تقدیر خواهد گذشت

Mustafa

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

نمونه‌ای از اسناد





۱۴ فورس ۳

درد بخت بد از ظم قربت داس قلا نام مبر ما جمعه نه حید؛ فرشت
دبر مع توط سکدر عرب دار زخم نه یسارت الامن رفه



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ادامه سند



۱۴ برج ذر ۱۳۲۳

از روز نهم برج ذر بلیف نایب نزل سه همد آید. بدین حدت که فرزند است

این روزها در هر سه همد صدر همد اربابی نانی نار و در در کاسه نعل
در برتبه ۳ ۳ ۳ ۳

نخ همد در صدر همد سرور اکرم ذره کار نعل عابری نعل ذره در

مهر همد نار همد ذره کار نعل نعل دیوان صدر همد مهر همد



ادامه سند



۱۴ فروردین

در تعقیب راه پرت پرت و همیم چهار الدوله در خصوص یک مجلس شاده در اران
 در تغییر از قرار کجیات مانند کرات مجلس فروردین شادیک ملک در دیده
 قطعی قطعه برادر در اران و عثمانی خواهد بود
 و میرزا امین نایب ارانته طهران مدلت است به عنوان عروس و اوردن
 خود از طهران بظرف بقدر حرکت کعبه است



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

ادامه سند



۱۴ فورس ۳

دیروز چند نفر از افراد در درستی فارجه در باغ سعینه بعد از نماز عصر آمدند و گفتند که
ظلمت یک نمری راجع به شب کابنه و صفره ازها یعنی نفعه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ادامه سند



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی